

مقاله مروری

سلامت جامعه

دوره دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵

تبیین مفهوم محیط و جامعه در پرستاری بر مبنای منابع اسلامی

اکرم السادات سادات حسینی^{۱*}، فاطمه الحانی^۲، عبدالحسین خسرو پناه^۳، عبدالکریم بهجت پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳

خلاصه

مقدمه: برای ارائه خدمات مؤثر به جامعه باید مفاهیم حرفه‌ای را در دامنه اعتقادی و فرهنگی همان جامعه تعریف کرد. از آنجا که محیط و جامعه از مفاهیم مهم در پرستاری به شمار می‌روند که مفهوم یابی آنان در راستای ارتقاء سلامت جامعه بسیار مهم است. لذا در این مطالعه مفهوم محیط و جامعه بر مبنای متون اسلامی تعریف می‌گردد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه با شیوه اقتباس مفهوم در تعریف مفهوم واکر و اوانت (۲۰۰۵) در سال ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. در نهایت پس از مطالعه متون اسلامی و تفاسیر شیعی، مفهوم از تئوری آیت‌الله جوادی آملی و استاد شهید مرتضی مطهری اقتباس گردید و منطبق با پرستاری و مشخصه‌های آن بازتعریف شد.

یافته‌ها: در اسلام دو جزء محیط طبیعی و اجتماعی وجود دارد که دائماً انسان با آنان در تعامل است به‌علاوه، این دو بر یکدیگر هم اثر دارند. محیط طبیعی بر اساس خلیفه‌الله بودن انسان در زمین وظیفه دارد در خدمت انسان باشد. اصلاح یا فساد محیط طبیعی بر انسان مؤثر است ولی تعیین‌کننده نهایی خود انسان است. انسان و محیط اجتماعی هر کدام هویتی مستقل دارند. انسان نیاز به زندگی اجتماعی دارد و اجتماع نیز از افراد تشکیل شده، این دو ضمن اثرگذاری برهم، برطرف‌کننده مسئولیت انسان برای ارتقا خود نیستند.

نتیجه‌گیری: از آنجا که در تعریف اسلامی انسان علیرغم اثرپذیری از محیط مطیع آن نیست، این تفاوت معنایی ایجاد شده سبب می‌شود عملکرد پرستاران در سلامت جامعه تنها برگرفته از رخدادهای زندگی انسان و بر اساس تجربیات او نباشد. به علت این تفاوت مهم اسلام با الگوهای سلامت جامعه متداول، نیاز به طراحی برنامه‌های سلامت جامعه بر مبنای مفهوم اسلامی احساس می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اسلام، سلامت، جامعه، محیط، پرستاری

۱- استادیار، گروه کودکان و ویژه نوزادان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

پست الکترونیکی: shoseini@tums.ac.ir، تلفن: ۶۱۰۵۴۴۲۳

۲- دانشیار، گروه پرستاری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی تهران. تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه حکمت، پژوهشکده حکمت و فلسفه ایران. تهران، ایران.

۴- استادیار، گروه تفسیر، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی. تهران، ایران.

مقدمه

زیبا پوشیدن و خوب خوردن یا مرحله نباتی است. پس از طی این مرحله، پست، مقام، عاطفه، احساس وفاداری، مسئولیت و امانت برای او مطرح شده و به مرتبه حیوانی پای نهاده است. اگر کسی این مرحله را پشت سر نهاد و از لذت‌های حیوانی گذشت به مقام انسانی که همان زندگی همراه با تعهد به خداوند است وارد می‌شود [۹، ۵-۴]. همان‌طور که مشخص است نقش محیط و جامعه در سلامتی این انسان که بر اساس مکتب اسلامی تعریف شده است با تعریف محیط و جامعه در فلسفه‌هایی که تعاریف متفاوتی از انسان دارند متفاوت خواهد بود. مسلماً این انسان به توجهاتی نیاز دارد که انسان مادی از آن‌ها بی‌بهره است. با توجه به سلسله مطالعاتی که در این زمینه توسط سادات حسینی و همکاران انجام شده، لازم است تا مطالعه‌ای نیز در تبیین مفهوم محیط و جامعه انجام گیرد. مطالعه حاضر در پی آن است که مفهوم محیط و جامعه را بر اساس متون اسلامی تبیین و نقش آن را در سلامت جامعه مشخص نماید.

مواد و روش‌ها

در تئوری پردازی همواره اولین گام طراحی چارچوب پنداشتی یا مدل مفهومی پارادایم‌های رشته در فلسفه مورد نظر تئوری پرداز است. بنابراین، در طراحی مدلی برای ارتقا سلامت جامعه اولین گام تعریف مفاهیم عمده این چارچوب است که محیط و جامعه از جمله مفاهیم عمده در این عرصه هستند. تعریف مفاهیم بر اساس روش واکر و اوانت با سه روش تولید مفهوم، اقتباس مفهوم و تحلیل مفهوم صورت می‌گیرد. که از میان شیوه‌های فوق اقتباس مفهوم از رایج‌ترین شیوه‌ها در زمانی که نظریه‌ها و تعاریف اولیه‌ای برای مفاهیم مورد نظر در سایر عرصه‌های دانشی وجود دارد، است [۱۰]. اغلب تئوری‌های سلامت در تعریف محیط و جامعه از روش اقتباس مفهوم استفاده نموده‌اند [۶]. لذا در این تحقیق نیز برای تعریف مفهوم محیط و جامعه از روش اقتباس مفهوم واکر و اوانت در طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۳ به شرح ذیل، استفاده شده است.

۱- مطالعه تئوری‌های پرستاری و سلامت و آشنایی با

شیوه نگارش آن‌ها در مورد تعریف مفهوم محیط و

پرستاری به عنوان یک حرفه دارای مفاهیمی است [۱]. مفهوم محیط و جامعه در عملکرد پرستاری کلیدی هستند و تعاریف آن‌ها بر اساس فلسفه حاکم در جوامع معانی متفاوتی می‌یابد [۱-۲]. این مفاهیم به شدت به یکدیگر مرتبط هستند و هر کدام سازنده چارچوب عملکردی دستورالعمل‌های اجرایی در عرصه مراقبت‌های سلامتی و بهداشتی هستند [۳-۴]. بنابراین لازم است تا مفاهیم در فلسفه‌های مختلف حاکم بر جوامع معنی شوند و بر اساس این تعاریف جدید نظریه‌های عملکردی در پرستاری پایه‌ریزی شوند [۵]. مفهوم محیط اولین بار در پرستاری توسط فلورانس نایتینگل در عملکرد و نظریه‌اش آمد و بعدها دیگر نظریه‌پردازان پرستاری به تعریف آن پرداختند بطوریکه فاوست در ۱۹۸۴ آن را یکی از مفاهیم اصلی نظریه‌های پرستاری دانست [۱-۲]. مفهوم جامعه اگرچه مفهومی باستانی در طراحی عملکردهای مراقبتی-درمانی است ولی به‌طور جدی از قرن بیستم وارد عرصه بهداشتی درمانی شده است. امروزه سازمان بهداشت جهانی بر آن تأکید بسیاری دارد و یکی از عرصه‌های خدمت‌رسانی پرستاران سلامت جامعه است [۶] اگرچه برخی نظریه‌پردازان پرستاری این مفهوم را در نظریه‌های خود ندارند ولی در تئوری‌های نوین با خلق مفاهیمی چون انسان شدن (human being) و کل‌نگری (holism) به مفهوم جامعه و تعاملات آن با انسان توجه بیشتری شده است [۱، ۷]. تعاریف محیط و جامعه در نظریه‌های مختلف دامنه‌ی بسیار متغیری دارند. در برخی نظریه‌ها این مفهوم به شدت ثابت و غیرقابل تغییر است و در برخی دیگر گستره وسیعی از اجتماع، سیاست، اقتصاد، دین، فرهنگ و معنویت را شامل می‌گردد. در برخی نظریه‌ها دارای توان تعامل و در برخی شامل خود بیمار و پرستار است [۲، ۷-۱]. با توجه به مطالب گفته شده مشخص می‌گردد تعریف محیط و جامعه در پرستاری ارتباط نزدیکی با فلسفه، اعتقادات و ایدئولوژی حاکم بر نظریه‌پرداز و جامعه مورد نظر وی دارد [۱، ۵]. جوامع اسلامی دارای تفاوت‌های فلسفی عمیقی با دیگر جوامع هستند که ریشه همه این تفاوت‌ها در نگرش و نگاه آن‌ها به انسان است [۸-۹] انسان برای دستیابی به سلامت باید مراحل را طی کند. مرحله اول رشد جسمی،

سلامت: سپس تئوری‌ها با توجه به کاربرد آن‌ها در سیستم سلامت بازنویسی شد و گزاره‌های ارتباطی بین محیط اجتماعی، محیط طبیعی و انسان نوشته شد.

۶- در نهایت بیانیه‌ای بر اساس یافته‌ها در مورد محیط و جامعه ارائه شد.

محیط در متون اسلامی:

محیط:

در این بحث محیط همه آن چیزی است که پیرامون انسان را در برمی‌گیرد. پیرامون ما را محیط انسانی و محیط طبیعی فرا گرفته است [۱۱]. محیط انسانی: مرکب از انسان‌ها و جامعه انسانی است. محیط طبیعی شامل جهان مادی پیرامون ما است که شامل زمین و هرچه در آن است و هرچه در آسمان‌ها و جهان (به جز انسان) آفریده شده می‌باشد [۱۲].

الف) محیط طبیعی:

خداوند تمامی جهان آفرینش را نظام‌مند آفریده است به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین آفریده شده است [۱۱]. وظیفه انسان این است که محیط طبیعی خود را همانند امانت الهی (سوره روم آیه ۴۱) حفظ و نگهداری نماید. انسان از زمین خلق شده است (هود آیه ۶۱) محیط طبیعی به عنوان سفره نعم الهی برای انسان آفریده شده است و انسان باید با تلاش خود از آن بهره‌مند شود البته این تلاش در عرصه بهره‌برداری از محیط نیست بلکه در عرصه اطاعت از خداوند است. خداوند موجودات را در تسخیر انسان قرار داد نه اینکه انسان آن‌ها را تسخیر کند بلکه خداوند آن‌ها را برای بشر مسخر کرده است (ابراهیم ۳۳-۳۲) اگرچه به نظر می‌رسد جنس تسخیر انواع موجودات و پدیده‌های طبیعی با یکدیگر متفاوت است که این امر بر روی چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها نیز اثر می‌گذارد ولی همه آن‌ها مسخر انسان هستند [۱۱، ۱۵-۱۳].

بنابراین، به نظر می‌رسد محیط دارای وجودی مستقل از انسان است اما این وجود مستقل می‌تواند در تسخیر انسان قرار گیرد. جهان برای انسان خلق شده است که انسان به وظیفه‌ی خود که همانا رسیدن به رضای خداوند است عمل نماید. چنین نیست که انسان برای جهان باشد یا جهان انسان همتای یکدیگر باشند [۱۷]. هدف از آفرینش جهان این

جامعه: ابتدا تئوری‌های پرستاری و سلامت در مورد محیط و جامعه مورد مطالعه قرار گرفتند. به‌طور خلاصه سه نوع نگرش عمده به محیط و جامعه در نظریه‌ها وجود دارد. تئوری‌هایی که اصلاً به تعریف محیط و جامعه نپرداخته بودند. فرد و محیط را در تعامل با یکدیگر می‌دانند و تعریف مجزایی از محیط و جامعه ارائه نکرده‌اند. فرد را میدان انرژی می‌دانند که با محیط یکی است و عملاً نتوانسته‌اند تعریف مناسبی از محیط و جامعه بدهند و تنها به تعریف تعاملات این دو پرداخته‌اند. با توجه به تعاریف ارائه شده به نظر می‌رسد محیط و جامعه در نظریه‌های سلامت و پرستاری نقش مهمی به عنوان عامل مداخله بر روی انسان دارند به طوری که در برخی تئوری‌ها انسان و محیط از یکدیگر تفکیک نشده‌اند [۴، ۲-۱].

۲- مطالعه متون اسلامی برای یافتن تعریفی مناسب

برای محیط و جامعه: در مرحله بعد، محققین به مطالعه متون اسلامی پرداختند. در رابطه با محیط مطالب اندکی در حیطه پزشکی وجود داشت. بنابراین در گام بعد، مطالعه خارج از متون پزشکی آغاز شد.

۳- مطالعه‌ی متون علوم دیگر و بررسی نظریه‌های

آنان در مورد محیط که از متون اسلامی اقتباس شده بودند: در این مرحله علوم دیگر مانند جغرافیا، زیست‌شناسی، جنگل‌بانی، هواشناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی و... مورد بررسی قرار گرفتند.

۴- اقتباس تئوری از بین متون مورد جستجو: پس از

بررسی متون مشخص گردید محیط به دو دسته محیط طبیعی و انسانی تقسیم می‌گردد. در رابطه با محیط طبیعی (که به حوزه محیط زیست مربوط می‌شد) به‌جز مطالعه آیت‌الله جوادی آملی که در این رابطه نوعی نظریه‌پردازی نموده است [۱۱]. مطالعه‌ی منسجمی وجود نداشت. در مورد محیط اجتماعی که وارد حوزه جامعه‌شناسی می‌شد نظریه‌های زیادی وجود داشت که محقق با مطالعه آن‌ها سه نظریه استاد مطهری، مصباح یزدی و جوادی آملی [۱۱، ۱۲، ۱۵] را به‌طور مشروح مطالعه نمود که از بین آن‌ها نظریه استاد مطهری به علت جامعیت، تعاریف گویا و کاربردی بودن برای پرستاری و سلامت جامعه، انتخاب شد.

۵- هماهنگ‌سازی تئوری‌های اقتباسی با حیطه

تعاملات انسان و محیط به تنهایی سبب ارتقای آنان نخواهد شد بلکه تلاش آن‌ها در جهت رسیدن به خداوند است که سبب اعتلای انسان می‌گردد. به عبارت دیگر، محیط طبیعی در تسخیر انسان و آماده خدمت به انسان است و اگر انسان ارتباط خود با خداوند را تحکیم نماید طبیعت در خدمت بی‌چون و چرای او قرار می‌گیرد.

ب) محیط انسانی:

محیط انسانی در اصل همان جامعه انسانی است. در این مبحث منظور از جامعه انسانی مجموعه‌ای از افراد هستند که با نظامات، سنن، آداب و قوانین خاص به هم پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند [۱۲].

در حوزه ارتباط انسان با جامعه انسانی نظرات متنوعی در حیطه علوم اسلامی وجود دارد. اولین بار علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی ۲۰۰ سوره آل عمران به آن توجه جدی نموده است [۱۶-۱۵، ۱۲]. پس از آن نظرات متعددی به وجود آمد که از این بین سه می‌توان به نظریه عمده استاد مطهری، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد. آیت‌الله جوادی آملی به جامعه وجود اعتباری می‌دهد و آن را دارای اصالت می‌داند، استاد مصباح فقط فرد را اصیل می‌داند و استاد مطهری هم فرد و هم جمع را اصیل می‌داند. پس شهید مطهری به جمع‌گرایی معتقد است استاد مصباح به فردگرایی و آیت‌الله جوادی آملی آن را حقیقتی نازل می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی به تعریف محیط در مبانی فلسفی بیشتر توجه می‌نماید. و استاد مصباح ضمن بیان عقیده خود به نقد عقاید دیگر می‌پردازد و شهید مطهری نظریه خود را با مصداق‌های قرآنی و روایی بیان می‌کند. با توجه به مطالعات محققین به نظر می‌رسد [۱۷-۱۶، ۱۲] تعریف استاد مطهری نسبت به جامعه و انسان در نظام‌های بهداشتی-درمانی کاربرد بیشتری داشته باشد و ضمن معتبر بودن قادر به پاسخگویی نیاز این نظام‌ها نیز باشد.

- نظریه استاد مطهری

استاد مطهری در تبیین نظریه، جامعه را مرکب حقیقی می‌داند. اما ترکیب روح‌ها، اندیشه‌ها، عاطفه‌ها، خواست‌ها و اراده‌ها یعنی ترکیب فرهنگی است نه جسمی. یعنی افراد انسانی که هرکدام سرمایه‌ای فطری و اکتسابی (طبیعت) دارند

است که در پرورش انسان و رسیدن به رضای خداوند به وی کمک نماید [۱۵-۱۳] پس انسان اصل و جهان تابع اوست (به فرمان خداوند نه آمریت انسان) و هر دو تابع نور الهی و خداوند هستند [۱۱، ۱۳]. انسان در تسخیر خود بر جهان حق استفاده بی‌رویه و ظالمانه را ندارد بلکه وی مسئول است تا به بهترین شکل از جهان طبیعی استفاده کند و کمترین صدمه را به آن وارد نماید [۱۱، ۱۵-۱۳]

محیط طبیعی پیرامون انسان دارای مشخصه‌های ذیل است:

۱- محیط زیست، همان محیط الهی است و بشر همواره در این محیط غوطه‌ور است. (نساء ۱۲۶، بروج ۲۰، بقره ۱۲۶ و فصلت ۵۴) [۱۴].

۲- جهان هستی، زنده، در حال تغییر و تحول و کوشا است و همه‌ی ذرات جهان به امر الهی، بر اساس آنچه خداوند مقرر کرده در حرکت هستند. (روم ۷-اعراف ۱۴۳ - رعد ۲-حجر ۲۰-ملک ۱۵) [۱۵-۱۴].

۳- جهان طبیعت نشانه‌ای از آیات الهی است که تفکر، تدبر و تعقل انسان در آن و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و خالق هستی راهنمایی می‌کند. (یونس ۱۰۱-فصلت ۵۳-سبا ۹-عنکبوت ۴۴) [۱۱، ۱۴].

۴- جهان طبیعت در اختیار انسان است ولی انسان باید ضمن بهره‌مندی از آن، آن را حفاظت و حراست نماید. (هود ۶۱-بقره ۱۶۴-آل عمران ۱۳۷-انعام ۱۱) [۱۳، ۱۴]

انسان جانشین خداوند در روی زمین است و زمین به عنوان محل زندگی او قرار داده شده است و در تسخیر اوست تا به عنوان مکانی برای آماده شدن و صلاحیت یافتنش برای زندگی جاوید نقش خود را ایفا نماید [۱۴-۱۳].

تعریف محیط طبیعی در سلامت جامعه: محیط دارای

هویتی مستقل و اصالت است و خداوند این هویت مستقل را در تسخیر انسان قرار داده است تا بتواند در راه رسیدن به رضای خداوند طی طریق نماید. بنابراین به نظر می‌رسد محیط همواره در پی ارائه خدمت به انسان است و این انسان است که باید توانایی و قابلیت‌های بالقوه خود را ارتقا دهد تا محیط بتواند حداکثر خدمت را به وی ارائه نماید و متقابلاً محیط نیز از وی در پی اطاعت از اوامر الهی حداکثر استفاده را بنماید.

است و نقش یاری کننده‌ی وی برای رسیدن به رضای خدا را ایفا می‌کند اما این به آن معنی نیست که انسان دست‌بسته و در اختیار روح جمعی است بلکه وی دارای مسئولیت و پاسخگویی مستقل است.

- رابطه‌ی فرد، محیط طبیعی و محیط اجتماعی.

بر اساس آموزه‌های دینی رفتار انسان بر محیط طبیعی وی اثر می‌گذارد همچنین، پاکی یا ناپاکی محیط طبیعی نیز بر رفتار انسان مؤثر است. اگرچه شرایط محیط طبیعی علت تامه خوبی و بدی افراد نیست ولی اثرات آن را نمی‌توان انکار کرد [۱۳-۱۵]. روح جمعی نیز تحت تأثیر (سوره اعراف ۱۳۸ و اعراب ۵۸، نوح ۲۶ و عنکبوت ۵۶، نساء ۹۷) محیط طبیعی قرار دارد علاوه بر اینکه روح جمعی تحت تأثیر افراد قرار دارد، خود نیز تحت تأثیر محیط طبیعی قرار می‌گیرد. زمانی که خداوند حفظ محیط را بر عهده‌ی حکومت اسلامی می‌گذارد (نهج الفصاحه ج ۲ ص ۲ و ۶) مشخص است حفظ حیات طبیعی برای توده‌ی مردم مهم است و محیط طبیعی بر زندگی جمعی افراد تأثیر دارد [۱۴]. همچنان که طرز تفکر روح جمعی بر حیات طبیعی تأثیر دارد و گاهی حتی سبب نابودی آن می‌گردد [۱۳، ۱۸].

پس انسان، روح جمعی و محیط طبیعی وی بر یکدیگر تأثیر غیرقابل انکاری دارند ولی هر سه برای حرکت به سمت حیات فطری انسان و کمک به انسان برای رسیدن به فطرت واقعی خود که همان رضای خدا است، تمایل دارند. در این راستا انسان هرگز تحت تسلط مطلق و اجبار محیط طبیعی یا روح جمعی قرار ندارد ولی حرکت آن‌ها مطابق با فطرت انسان، راه را برای رسیدن وی به کمال مطلوب هموار می‌سازد. در این راه محیط طبیعی مسئولانه به انسان یاری می‌رساند و حتی این قابلیت را دارد که در تسخیر وی درآید و محیط اجتماعی علی‌رغم داشتن اصالت و مسئولیت نقش کاتالیزور را در رسیدن وی به کمال ایفا می‌نماید.

تعریف نهایی: به نظر می‌رسد نقش نظام سلامت این است که محیط طبیعی را به‌طور آزادانه در اختیار انسان قرار دهد، تا محیط طبیعی بتواند به‌عنوان خدمتگزار انسان وظیفه‌ی خود را در قبال وی به بهترین نحو انجام دهد و در این راستا نظام سلامت با اصلاح محیط اجتماعی و هماهنگ نمودن آن

وارد زندگی اجتماعی می‌گردند، روح‌ها در یکدیگر ادغام می‌شوند. و هویت روحی جدید بنام «روح جمعی» می‌یابند [۱۲].

این نظریه، هم فرد و هم جامعه را اصیل می‌داند. افراد را در جامعه حل شده نمی‌داند اما از طرفی معتقد است افراد در جامعه هویت جدید می‌یابند که همان هویت جامعه است [۱۲، ۱۵]. وی عقیده دارد قرآن برای جامعه‌ها سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است [۱۲] پس حیات جمعی نوعی حقیقت است. (اعراف آیه ۳۴) و معتقد است جامعه‌ی دارای شعور واحد، معیارهای خاص، طرز تفکر خاص و فهم و شعور و ادراک خاصی پیدا می‌کند که مخصوص خود او است. یعنی نه تنها افراد هرکدام، نامه اعمال مخصوص به خود دارند جامعه نیز مانند موجودی صاحب شعور نامه‌ی عمل خاص خود را دارد [۱۲]. بنابراین انسان دارای دو نوع مسئولیت است مسئولیت خود و مسئولیت جامعه و انسان در مقابل هر دو آن‌ها باید پاسخگو باشد. پس افراد انسان که اجزای تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌اند از عقل و اراده‌ای فطری در وجود فردی و طبیعی خود مقدم بر وجود اجتماعی برخوردارند و استقلال نسبی اجزاء وجود دارد و انسان (روح فردی) در مقابل جامعه (روح جمعی) مجبور و مسلوب‌الاجتیار نیست [۱۲، ۱۵].

انسان به حکم فطرت و طبیعت خود اجتماعی است و برای رسیدن به کمال خود گرایش اجتماعی دارد و روح جمعی وسیله‌ای است که نوع انسان را به کمال نهایی خود می‌رساند. این فطرت انسان است که مسیر روح جمعی را تعیین می‌کند به عبارتی، روح جمعی نیز به نوبه خود در خدمت فطرت انسانی است. پس انسان فطرتاً تمایل به زندگی جمعی دارد و این زندگی جمعی به وی کمک می‌کند تا به کمال نهایی خود برسد و از طرفی روح جمعی جامعه نیز بر مبنای فطرت انسان و هماهنگ با آن است و به وی در راه رسیدن به رضای خدا کمک می‌نماید [۱۲].

محیط اجتماعی در سلامت جامعه:

محیط اجتماعی دارای اصالت است همچنان که فرد دارای اصالت است. انسان بر مبنای فطرت خود باید زندگی جمعی داشته باشد از طرفی، روح جمعی نیز مطابق با فطرت انسان

دارای هویتی مستقل و پاسخگو است. بنابراین، در تعریف ما محیط طبیعی از اجتماعی تفکیک می‌گردد که Watson قائل به این تفکیک نیست. در این تئوری انسان مجبور محیط، تجربیات و فرهنگ نیست بلکه متأثر از آنان است. بر اساس اختیار و کرامت انسانی، نیازهای انسانی ناشی از فطرت انسان است و بر اساس تجربیات و سازگاری وی با محیط نمی‌باشد. در نظریه Watson انسان هم‌راستا و هم‌شأن و جزئی از محیط است در حالی که در تعریف حاضر انسان برتر از همه‌ی جهان و جهان در اختیار و خدمتگزار انسان است. در مقابل محیط اجتماعی نیز انسان مجبور نیست و دارای هویتی مستقل در کنار هویت جمعی می‌باشد.

تئوری Parse به تعامل محیط - انسان شدن - سلامت اعتقاد دارد و عقیده دارد انسان شدن بر اساس الگوهای محیطی شکل می‌گیرد. وی عقیده دارد تقابل انرژی محیط و فرد شکل ارتباط انسان با محیط را مشخص می‌کند و انسان شدن در درون این تقابلات بر اساس تجربیات و تعاملات وی با محیط صورت می‌پذیرد [۱-۲، ۱۹].

علاوه بر تفاوت‌هایی که از عدم تفکیک محیط طبیعی و اجتماعی در تئوری Parse و تعریف حاضر حاصل می‌شود، تفاوت عمده دیگر این دو نظریه در پایه‌ی فلسفی آنان است. فلسفه پدیدارشناسی حاکم بر تئوری Parse، تعاملات و تجربیات انسان و محیط شکل‌دهنده حرکت انسان به سمت تعالی است در حالی که در تفکر اسلامی فطرت الهی شکل‌دهنده نیازهای انسان و حرکت وی به سمت انسان کامل است و انسان مجبور و ناچار به تبعیت از تجربیات و تعاملات خود نیست اگرچه از آنان متأثر می‌گردد ولی دارای اختیار و هویتی مستقل است. علاوه بر این، در تئوری Parse نیز مانند Parse انسان و محیط همسان و هم‌شأن هستند [۲۰] در حالی که در تعریف حاضر محیط در خدمت انسان برای رسیدن به خداوند قرار دارد یا به عبارتی محیط وظیفه دارد به انسان کمک کند و هر چه انسان در جهت رسیدن به خداوند سعی و تلاش بیشتری داشته باشد از حمایت‌های بیشتری برخوردار خواهد شد.

Henderson برای تعریف محیط از معنای لغت‌نامه Webster استفاده نموده است و محیط را مجموعه‌ای از

با فطرت انسان کمک عظیمی در جهت تسریع روند حرکت وی به سمت رضای خدا ایفا نماید. بنابراین حرکت نظام سلامت جامعه باید در راستای اطاعت از خداوند و حرکت بر اساس فطرت انسانی باشد و تعیین‌کننده تکامل انسانی تعاملات وی با محیط و جامعه‌اش نیست بلکه حرکت بر اساس فطرت الهی است.

بحث

در این قسمت تعریف محیط و جامعه بر مبنای اسلام با تعریف محیط و جامعه در نظریه‌های پرستاری مقایسه می‌شود. برای این منظور از هر کدام از نظریه‌های غالب در تعریف محیط در پرستاری دو نمونه را بررسی گردید. دو نوع نگاه عمده به محیط در پرستاری وجود دارد یکی دیدگاه کل نگرانه به انسان و محیط (Watson, Parse) و دیگری دیدگاه سیستماتیک به محیط (Jonson, Henderson) است [۱، ۱۹]. Watson به اثرات محیط در مراقبت معتقد است و مراقبت را شیوه‌ای می‌داند که فرد در آن کمک می‌شود تا با محیط سازگاری بیابد در تئوری Watson تفکیکی بین محیط انسانی و محیط طبیعی به عمل نیامده است و وی همه را در یک جهت در فرآیند مراقبت، مؤثر می‌داند که ناشی از دیدگاه کل نگرانه‌ی انسان با محیط می‌باشد [۱، ۱۹] در حالی که در تئوری حاضر محیط انسانی از طبیعی جدا شده است و هر کدام نقشی مجزا در تکامل انسان دارند. به علاوه Watson به یگانگی انسان و محیط اعتقاد دارد در حالی که محیط در تعریف حاضر جزئی از انسان یا انسان جزئی از محیط نیست بلکه محیط در خدمت انسان قرار دارد. اگرچه انسان و محیط طبیعی دارای تعاملات غیرقابل انکاری هستند، اما آنچه نیازهای انسان را می‌سازد تعاملات و تجربیات وی و یا شیوه‌های سازگاری وی با محیط نیست بلکه نیازهای انسان بر اساس فطرت الهی او تعیین می‌گردد. هرچه انسان بیشتر بر اساس فطرت خود که همان رسیدن به خداوند است حرکت نماید محیط بیشتر در خدمت او قرار می‌گیرد. در بعد محیط اجتماعی Watson بیشتر به نقش فرهنگ و اثرات آن اشاره می‌نماید. با توجه به تعریف موجود، انسان از فرهنگ متأثر است اما برخلاف نظریه‌ی Watson مغلوب آن نیست و خود

وجود با تئوری Johnson را در این تئوری نیز جاری دانست. علاوه بر این، چون وی با دیدگاه حفاظتی خود قادر نیست از اثر عوامل محیطی بر انسان جلوگیری کند اندازه‌گیری آن را مشکل دانسته و آن را امری منحصر به فرد در هر شخص می‌داند که از این نظر با موارد مطرح شده در مقایسه تئوری Watson و Parse هماهنگ است و اشکالات وارد بر آنان در اینجا نیز وجود دارد. در تعریف ما محیط در خدمت انسان است و تعاملات انسان با محیط اجتماعی و طبیعی مغایر با هویت مستقل فردی وی نیست و آنچه سلامت انسان را شکل می‌دهد تعاملات وی با محیط نیست بلکه حرکت وی بر اساس فطرت است. بنابراین دیدگاه بینابینی Levin نیز سبب نشده تا دیدگاه نسبی گرایانه نسبت به انسان شدن و تکامل انسان از بین برود.

بنابراین در تعریف محیط دو نوع دیدگاه غالب در پرستاری وجود دارد یکی دیدگاه کل گرایانه که انسان و محیط اثرات یکسانی بر یکدیگر دارند و در مواردی حتی انسان قابل تفکیک از محیط نیست و تکامل سلامت و انسان شدن وی نیز بر اساس تعاملات و تجربیات وی با محیط معنی می‌شود و در دیدگاه بعدی، دیدگاه تجربه‌گرایانه و سیستماتیک است که انسان و محیط را در تعامل با یکدیگر می‌دانند ولی اثرات محیط بر انسان غلبه دارد. البته در این بین نیز نظریه‌پردازانی مانند Levin به دیدگاهی حد واسط بین این دو عقیده معتقد هستند. در دیدگاه حاضر اگر چه محیط بر انسان مؤثر است اما مغایر حفظ هویت فردی و مستقل انسان و مانع حرکت او بر اساس فطرت الهی نمی‌باشد هرچند با نامناسب بودن محیط اجتماعی ممکن است این حرکت کند شود ولی متوقف نخواهد شد و هرگز اثرات محیطی آن قدر قوی نیست که نقش انسان را انکار کند بلکه تنها می‌تواند بر آن اثر گذارد ولی اگر انسان دارای اختیار واقعی باشد این اثرگذاری هم تعیین کننده سرنوشت فرد نخواهد بود. با توجه به تفاوت‌های مشخص در تعریف به عمل آمده از محیط مشخص می‌شود تفاوت در تعاریف به تفاوت عمیق در فلسفه‌های حاکم بر آن‌ها و هدفی که این فلسفه‌ها برای زندگی انسان قائل هستند، برمی‌گردد.

نتیجه‌گیری: بر اساس تعاریف اسلامی محیط و جامعه، اگرچه انسان، محیط و جامعه بر یکدیگر تأثیرات غیرقابل

همه‌ی وضعیت‌های خارجی و عوامل تأثیرگذار بر زندگی و تکامل ارگانسیم می‌داند. در تعریف Henderson محیط طبیعی از اجتماعی تفکیک نشده است و هر آنچه در خارج وجود آدمی قرار دارد محیط نامیده می‌شود. در نظریه اسلامی حرکت هم سو و هماهنگ آفرینش و انسان به سمت خدا و نقش خدمتگزاری محیط به انسان در راه این حرکت مشابهی در هیچ یک از تئوری‌های پرستاری ندارد [۵]. به علاوه، هویت مستقل انسان در عین تأثیرپذیری از محیط خاص نظریه‌ی اسلامی است و Henderson به آن معتقد نمی‌باشد [۲، ۱۹].

در تئوری Jonson محیط اگرچه جزء سیستم‌های رفتاری فرد نیست اما بر روی این سیستم‌ها اثر دارد و می‌تواند به وسیله پرستار دست‌کاری شود تا سیستم‌های فرعی به اهدافشان برسند. اجتماع با محیط برابر و مرتبط است و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد [۲-۱۹، ۲۱]. تئوری وی از نظر جداسازی محیط طبیعی از اجتماعی با تئوری حاضر هماهنگ است اما تعریف این دو محیط و میزان اثرگذاری آن‌ها بر انسان متفاوت می‌باشد. در تعریف Jonson غلبه بر اثرات محیط و اجتماع بر فرد است در حالی که در تعریف ما غلبه با خواست و اختیار فرد است و اینکه فرد قادر است بر اساس فطرت الهی خود حرکت صحیح را ادامه دهد هرچند همه‌ی عوامل محیط طبیعی و اجتماعی با وی مقابله نمایند. در تعریف جانسون، انسان خدمتگزار محیط طبیعی است و این خدمتگزاری و سازگاری با محیط سبب زندگی سالم فرد می‌گردد و آنچه سبب زندگی سالم است ثابت و پایداری در محیط است. در حالی که این با تعریف ما مغایرت دارد زیرا در تعریف موجود محیط در خدمت انسان است و از طرفی حرکت مداوم انسان به سمت خداوند در محیطی ثابت و پایدار رخ نمی‌دهد و این تلاش مداوم انسان و انتخاب‌های صحیح وی در موقعیت‌های دشوار است که وی را به سمت خداوند هدایت می‌نماید. از طرفی تکامل و ارتقای روح انسان که هدف اصلی انسان است در محیطی ثابت و بدون تغییر رخ نمی‌دهد [۲۲]. Levin محیط را بر اساس دیدگاه کل‌نگرانه تعریف نموده است ولی نفوذ دیدگاه سیستمیک در نظریه‌ی وی دیده می‌شود. وی محیط را دارای سطوح و طبقاتی دانسته و اثرات هر طبقه بر فرد را جداگانه شرح داده است [۱۹، ۲۱] می‌توان تفاوت‌های

با محیط نه فقط به قدرت محیط بلکه به قدرتی بالاتر و والاتر که همان آفریننده جهان است چشم می‌دوزد و تعالی وی محدود به داشته‌های مادی وی نخواهد ماند. در تعامل با جامعه انسان اسلامی مجبور جامعه نیست اگرچه محیط اجتماعی به شدت بر انسان اثرگذار است ولی انسان بر اساس هویت مستقل خود وظیفه دارد همواره در جهت سلامت خود و جامعه‌اش گام بردارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد محققین حوزه سلامت، بهداشت و درمان در جهت طراحی برنامه‌های عملکردی برای سیستم بهداشتی- درمانی کشورمان گام بردارند. در این مطالعه تنها از منابع شیعی استفاده شده است که می‌تواند محدودیت مطالعه شمرده شود.

انکاری دارند و تغییر هر کدام می‌تواند بر دیگران به شدت اثر گذارد ولی نمی‌تواند تعیین‌کننده نهایی تغییرات و حرکت به سمت تعالی آن‌ها باشد. انسان، محیط و جامعه باید در جهت تعالی و رسیدن به خداوند گام بردارند و تأثیرات این سه بر هم هر چند دارای اثرات بازدارنده و تقویت‌کننده است ولی تعیین‌کننده نهایی خود انسان است. این تفاوت دیدگاهی منجر به تولید برنامه‌های سلامت جامعه جدیدی خواهد شد. اگرچه به نظر می‌رسد در حوزه دانش عملی و عملکرد تغییرات عمده‌ای دیده نشود ولی در حوزه فلسفه، اقدامات و برنامه‌های بلندمدت قطعاً تغییرات عمده‌ای دیده خواهد شد. حتی در حوزه عملکرد فردی نیز انسان با دیدگاه اسلامی در تعاملاتش

References

- Melise IA. Theoretical Nursing Development and Progress. 5th ed. Washington (U.S.A): Lippincott Williams & Walkins; 2012:9-20,59-81,87-105.
- Fawcett J. Contemporary Nursing Knowledge: Analysis and Evaluation of Nursing Models and Theories. 2th ed. Philadelphia: Davis Compan; 2006: 3-31,589-600.
- Edwards SD. Philosophy of nursing an introduction. 1nd ed. Hampshire: Palgrave; 2001: 13-43.
- Isfahani M. Aayeen Tandorosti. 1nd ed. Tehran: Tandis; 2009:28-50. [persian]
- Hoseini ASS, Alhani F. Theoretical Perspective to the Concept of Human in Islamic Philosophy. TCT 2013;17(2): 51-5.
- WHO. WHO definition of Health 2013. [cited 2013 Dec]. Available from: <http://www.who.int/about/definition/en/print.html>.
- Ellis R. The Neuman Systems Model: Application to Nursing Education and Practice. NR 1984;33(1):32.
- Javadi Amuli A. Tafsir Mozoe Quran Karim: Sorat va Syrate Ensan dar Quran. 5nd ed. Qum: Esra; 2008; 34-70,82-90. [persian]
- Javadi Amuli A. Ensan az Aghaz ta Anjam. 1nd ed. 2010: Qum; Esra: 12-60. [persian]
- Walker LO. Avant K. Strategies for Theory Construction in Nursing. 1th ed. New York (U.S.A.): Pearson Prentice Hal; 2005:63-85.
- Javadi Amuli A. Islam and the environment. 1nd ed. Qum: Esra; 2009:9-18,25-45. [persian]
- Motahari M. Jame e va Tarikh. 1nd ed. Tehran: Sadra; 1980:38-57. [persian]
- Qameri A. Behdasht Mohit dar Islam. Teb va Tazkieh 2005; 67(16): 90-5. [persian]
- Kamran H, Jafari F. Mohit va ravabet dialecticky az monzare goghrafiaye dini. AGI 2006; 5(14,15): 5-22. [persian]
- Shakerin F. Hasti shenasi jamee az manzare motefakeran dini. AND 2010; 6(22): 161-87. [persian]
- Tabatabaee M. Al'mizan Commentary. Noor Institute. Computer research center of Islamic sciences; 2009. [persian Software]
- Jawadi Amoli A. Jamee dar Quran. 1nd ed. Qum: Assra; 2009: 8-36,67-93. [persian]
- Amr Khaled F. Obrien J. Islam and Mohitizist (Arab Mazar A translated). 1th ed. Mashhad: Moassese Chap va Entesharate Astane Qudse Razavi; 1999: 145-203. [persian]
- Alligood MR. Tomey AM. Nursing Theory Utilization & Application, 5th edn. U.S.A., Missouri: Mosby; 2010: 431-743.
- Sadat Hoseini AS, Alhani F, Khosro-panah Ah, Behjatpour Ak. A concept analysis of nursing based on Islamic sources: Seeking remedy. IJNK 2013;24(3):142-9.
- Dehghan Nayeri N, Jalali Nia F. Nazarieh-pardazi va Nazarie haye Parastari. 1nd ed. Tehran: Boshra; 2004: 169-290. [persian]
- Sadat Hoseini AS, Alhani F, Khosro-panah AH. The Concept Analysis of Health Based on Islamic Sources: Intellectual Health. IJNK 2014;26(3): 113-20.

Elucidation of Concepts of Environment and Community in Nursing Based on the Islamic Resources

Sadat Hoseini AS¹, Alhani F², Khosro-Panah AH³, Behjatpur AK⁴

1-Assistant professor , pediatric and NICU Dept, Faculty of nursing and midwifery, Tehran University of medical sciences , Tehran. Iran. (Corresponding Author)

Email: : shoseini@tums.ac.ir, Tel: 61054423

2-Associated Professor , Nursing Dept, Tarbiat Modares University , Faculty of Medical Sciences, Tehran. Iran.

3-Associated Professor, philosophy Dept, Iran Philosophy Institute, Tehran. Iran.

4-Assistance Professor, Quran Dept, Research Center for the Islamic Idea and Culture, Tehran. Iran.

Received: 29 November 2015 Accepted: 24 June 2017

Introduction: In order to presents effective health services to a community, professional concepts should be defined based on the beliefs, values and culture appreciated by that community. Since the concepts of environment and community are of paramount importance, so their explanation is indispensable for promotion of community health. Based on these considerations, the objective of the present study was to define the concepts of environment and community in nursing based on the Islamic resources.

Materials and Methods: The pre-mentioned concepts were defined and analyzed using Walker and Avant's (2005) concept analysis, and the theories of Ayatollah Javadi Amoli and Morteza Motahari as the two main Islamic resources.

Results: According to the Islam religion, human being as the successor of Allah upon the earth is always interacted with natural environment and society. Human being is affected by reformation or corruption of the natural environment although, human himself is the final determinant. Community and human are two independent entities so that the former is required to social life and the latter is formed by individuals. Although, they affect on each other but it is human who is responsible for health promotion.

Conclusion: Regarding the Islamic instruction, human being is not the submissive of the environment although he is affected by the environment and this semantic difference causes nurses' activities related to the community health are not affected only by human life's events or his experiences. Due to the significant difference of the Islamic attitudes with other popular cultures towards community health, replanning of community health programs based on the Islamic resources is warranted.

This research doesn't need to ethical approval. Funding in this research supplied with Tarbiat Modares University. This research has not conflict of interest.

Key Words: Islam, Environment, Community, Health, Nursing

Please cite this article as follows:

Sadat Hoseini AS, Alhani F, Khosro-Panah AH, Behjatpur AK. Elucidation of Concepts of Environment and Community in Nursing Based on the Islamic Resources. Community Health journal 2017; 10(4): 29-37.

Funding: Noting.

Conflict of interest: Noting.

Ethical approval: This article did not have human's samples and was based on literature review and did not have ethical approval.